

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۵/۲۴

محمد مُحق

تئوکراسی طالبانی ضد اجماع ملی است



نظامی که خواسته طالبان است در علوم سیاسی تئوکراسی خوانده می‌شود. تئوکراسی یعنی حکومت خدایان، یا حکومت نمایندگان خدا. ریشه‌های تاریخی این نوع نظام به مصر باستان و نام‌گذاری آن به یونان باستان می‌رسد. در مصر باستان، حاکمان که فرعون خوانده می‌شدند خود را خدا و گاهی خدای برتر، ربکم الاعلی، می‌دانستند. در ایران باستان نیز، در دوره‌ای، تصور بر این بود که خون خدایان در رگ‌های خسروان جریان دارد و آنان دارای فره ایزدی، ولایت الهی، هستند. ریشه روایتی ساختگی در متون اسلامی که سلطان را سایه خدا می‌داند، و نیز ولایت فقیه، در این فرهنگ باستانی نهفته است.

در دوره‌های بعدی، که سطح عقلانیت و دانش بشری بالا رفت و مردمان دانستند که حاکمان سوای قدرت زمینی دارای هیچ فره دیگری نیستند، ادعای خدایی جایش را به ادعای نمایندگی از خدا و حکومت کردن از جانب او داد. این بار حاکمان با انگاره پیاده کردن قانون خدا، مردم را به اطاعت از خویش واداشته و هرگونه مخالفت و انتقاد از حاکمیت استبدادی را زیر نام دشمنی با خدا سرکوب می‌کردند.

تئوکراسی را در زبان عربی «حکومه الکهنوت» یا حاکمیت کاهنان و رجال دین می‌خوانند. به لحاظ ترمنولوژیک این اصطلاح را بار نخست جوزیفوس فلافیوس، متفکر یونانی در سده اول میلادی به کار برد، اما در عصر روشنگری در اروپا به شکل علمی‌تر به ویژگی‌ها و زیان‌های این شیوه حکومت‌داری پرداخته شد، و کسانی مانند فیلسوف مشهور آلمانی فریدریک هگل آن را به صورت فلسفی به نقد گرفتند. در روزگار نوین، نظام تئوکراتیک منافی خواست مردم و متضاد آزادی‌های اساسی و حقوق طبیعی بشر دانسته می‌شود که انسان را به بهانه خدا، و واقعیت‌های زمینی را به بهانه اوامر آسمانی، به تمسخر می‌گیرد.

تئوکراسی از آن جایی که مشروعیت خود را نه از خواست انسان‌های زمینی بلکه از ادعای تکیه‌گاه آسمانی می‌گیرد، همزاد استبداد دینی است، و در علوم سیاسی نظامی غیر پاسخگو و غیر مسئولیت‌پذیر شناخته می‌شود. این نظام همه صلاحیت‌ها را در چنگ خود گرفته و هم‌زمان همه کاستی‌ها و ناتوانی‌های خود را به تقدیر الهی ارجاع می‌دهد.

در نظام‌های تئوکراتیک نظر متخصصان هیچ رشته‌ای جز کاهنان و رجال دین اعتبار داده نمی‌شود، مگر این‌که مورد پسند این قشر قرار بگیرد. در جوامع چند هزار سال قبل که مردم در پاره‌ای از امور به فال‌بینان و شعبده‌بازان و در پاره‌ای دیگر به کاهنان و کشیشان مراجعه می‌کردند، حاکمیت تئوکراتیک پذیرفتنی به نظر می‌رسید. در دنیای مدرن که تنها به کمک علم و تخصص می‌توان گره از مشکلات میلیون‌ها انسان باز کرد، نظام تئوکراتیک موجب فاجعه می‌شود. افزون بر آن، موضوع حکم خداوند همیشه تفسیربردار است، و دستگاه تئوکراتیک با تحمیل تفسیر خود، دیگر تفاسیر را، که می‌تواند اخلاقی‌تر و پذیرفتنی‌تر، باشد به حاشیه می‌راند. نظام سلطه‌ای که طالبان برپا داشته‌اند یکی از بارزترین نمونه‌های نظام تئوکراتیک و متضمن دهن‌کجی به تمام متخصصان و دانشمندان است. شعار انقلاب کبیر فرانسه مبنی بر به دار آویختن آخرین پادشاه با روده‌های آخرین کشیش ریشه در این منازعه داشت. هرگونه اجماع ملی در کشور مستلزم کنار نهادن دستگاه تئوکراتیک و تبدیل شدن طالبان به حزبی سیاسی در چارچوب قانون است. بدون آن، مردم برای بازپس گرفتن آزادی خود از دست استبداد دینی کاهنان این دوره چاره‌ای جز تن دادن به جنگی آزادی‌بخش اما خونین نخواهند داشت، که امیدواریم نیازی به آن نیفتد.

د پائو شمیره: له 1 تر1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولی